

ضرورت مشاوره و راهنمایی در مدارس

آورد که با استعداد و توانایی و خصایص او متناسب باشند و در زندگی آتی او دارای ارزش شوند اما تعیین چنین ارزشی آسان نیست. شاگردان غالباً در تنگنای بین ارزش های شخصی خویش و تجارب درسی و کلاسی با ارزش های والدین و محدودیت های جامعه گرفتارند و نمی دانند چه باید بکنند. از این رو دچار اضطراب و نگرانی می شوند. پیچیدگی اوضاع اجتماعی و اقتصادی و محدودیت های ورود به دانشگاه ها به این اضطراب ها می افزاید. والدین و معلمان خود می دانند که درک چنین پیچیدگی و یا اثرات آن بر فرد کار ساده ای نیست شاید به مشاوره نیاز باشد که تحصیلات خاص و تجارب او بتواند در این معضل راه گشا و رهنمون افتد.

د) چهارمین عامل و انگیزه برای استقرار مشاوره تخصصی تغییرات سریعی است که در راه ها و روش های زندگی ما در عصر صنعتی و تکنولوژی روی می دهند. جامعه شناسان و نویسندگان زمان کنونی را عصر اضطراب نامیده اند. هر چند آمار دقیقی در دست نیست که در این زمینه به مقایسه بین قرون و اعصار پردازیم و اصولاً ممکن نیست فراوانی های عصبی و اضطرابی هر قرن را در حیطه اندازه گیری و سنجش قرار داد تا مقایسه میسر می گردد اما شکی نیست هر قدر زندگانی پیچیده تر می شود و هر اندازه صنعت و تکنولوژی پیش می رود و به همراه آن تغییرات رخ می دهند نتایج و اثرات آنها بر اعصاب و روان فرد، فشار بیشتری وارد می کنند که گاه به مشاوره و روان درمانی نیاز پیدا می شود. نهایتاً باید گفت که راهنمایی و مشاوره در مدارس یک ضرورت گریزناپذیر است.

ضرورت مشاوره تحصیلی در زمینه سرعت بخشیدن به فرآیند تحصیل و مطالعه
برخی دانش آموزان و خانواده های آنها مایل اند عملکرد بهینه خود را در زمینه تحصیل بهبود بخشند. این دانش آموزان ممکن است دانش آموزانی متوسط و یا بالا باشند. به هر حال تمایل دارند روش هایی را بیاموزند و اطلاعاتی مناسب، مفید و عملی کسب کنند که کارایی آنها را در زمینه تحصیل بالا ببرد. مشاوره تحصیلی چنین راهکارهایی را برای افراد فراهم می سازد؛ و بر احتمال موفقیت آنها در سطح پیشرفته تر می افزاید.

نگارش: دکتر مریم اسمعیلی

دکتری روانشناسی تربیتی

گر چه در این باب هنوز اختلاف نظر وجود دارد که مشاوره در مدارس راباید یک شغل تخصصی و جدا به شمار آورد یا آن را از وظایف معلمان دانست که ضمن انجام تدریس و کار با شاگردان عهده دار آن نیز باشند. از طرفی والدین چنین می پندارند که وظیفه آنهاست که فرزندان خویش را در تصمیم گیری ها یاری نمایند و ارشاد و هدایت کنند. افرادی نیز اعتقاد دارند که یاری خواستن از دیگران، نشانه ضعف روان و اراده است و با همت و پشتکار می توان به همه مشکلات فایق آمد. علیرغم این آرا و تردیدها چنین به نظر می رسد دلایل زیادی وجود دارد که ما در جهت ارائه خدمات مشاوره ای سوق می دهند برخی از آنها عبارتند از:

الف) موقعیت و وضعیت بسیار پیچیده ای که هر فرد در دنیای کنونی با آن مواجه است پیچیدگی به هنگام انتخاب شغل بیشتر رخ می نماید و تقاضا برای مشاوران تحصیل کرده و کارآموده را مطرح می دارد وقتی فرد جوانی بخواهد از بین مشاغل و حرف زیادی به گزینش پردازد با کار آسانی مواجه نیست. چه بسا اطلاعات زیادی نیاز دارد تا تصمیم گیری را آسان کند هم اکنون فراوان اند مردان و زنانی که پی برده اند گزینش اولیه آنان با روشن بینی و مال اندیشی صورت نگرفته است و با ناکامی برخورد کرده اند.

ب) دومین دلیل ترکیب جامعه بسیار متنوع صنعتی با آرمان ها و نگرش های آدمی است که مشاوره را ضروری می دارد این ضعف غالباً نادیده انگاشته می شود که هر فردی حق دارد به شغلی خاص پردازد که شرایط احراز آن را دارد. دیگر نمی توان مدافع این امر بود که فرزندان مردان متخصص باید در مشاغل تخصصی پذیرفته شوند و فرزندان کارگران غیر ماهر همچنان در مشاغل ساده به کار پردازند این حق هر فرد و شاید وظیفه و تکلیف اوست که وضعیت خود را بهبود بخشد و تا حد امکان پیش رود. چنین نگرشی از میراث فرهنگی ماست ممکن است ما با دادن آزمون هایی به شاگردان شایستگی آنها را برای اشتغال به برخی از مشاغل یا رشته تحصیلی معین کنیم اما شاگرد خود قادر نیست با این اطلاعات به انتخاب درست پردازد زیرا در شبکه ای از محدودیت های شغلی و توقعات و انتظارات خانوادگی و آرمان ها و تردیدهای شخصی و موانع و مشکلات اجتماعی گرفتار است او بیش از اطلاعات نیاز به مشورت دارد.

ج) سومین عامل از دید شاگردان مدارس متوسطه و اشتیاق شدید آنها و خانواده شان برای ورود به دانشگاه ها و مدارس عالی است این مطلب بر همگان آشکار است و نیازی به تشریح ندارد. شاگرد در طول سال های تحصیلی باید به رشته هایی روی

